

امکان‌سنجی تطبیق کارکردهای پسر انسان در کتاب مقدس بر منجی موعود شیعه

رحیم کارگر^۱

جمال فلاح یخدانی^۲

چکیده

نجات بشر توسط منجی در آخرالزمان، از بحث‌های مهمی است که ادیان مختلف، از جمله ادیان ابراهیمی به آن پرداخته‌اند. در کتاب مقدس یهودیان و مسیحیان، آیات متعددی در مورد منجی آخرالزمان و عناوین مربوط ملاحظه می‌گردد. یکی از این عناوین «پسر انسان» است. اندیشمندان یهودی معتقدند پسر انسان همان منجی آخرالزمان است؛ اما اندیشمندان مسیحی ضمن تفسیرهای مختلف از پسر انسان، معتقدند با توجه به کلمات عیسی علیه السلام خود او است که در پایان دنیا برمی‌گردد و ملکوت الاهی را برپا می‌کند؛ اما با توجه به بررسی ویژگی‌های کارکردی که برای پسر انسان در کتاب مقدس ذکر شده است، می‌توان نتیجه گرفت که پسر انسان از شخصی متعین خارج می‌شود و احتمال این‌که پسرانسان غیر از عیسی علیه السلام باشد، تقویت می‌گردد.

این پژوهش با رویکرد توصیفی-تحلیلی و باهدف تبیین جایگاه اصطلاح آخرالزمانی «پسر انسان» در کتاب مقدس، تطبیق آن را بر مهدی موعود علیه السلام بررسی کند. واژگان کلیدی: کتاب مقدس، پسر انسان، مهدی علیه السلام، مسیح علیه السلام، کارکرد پسر انسان.

rkaregar313@gmail.com

۱. استادیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

shahin1331@gmail.com

۲. دانش آموخته سطح ۳ مرکز تخصصی مهدویت «نویسنده مسئول».

«پسر انسان»، از جمله عناوینی است که برای منجی آخرالزمان مکرر در کتاب مقدس به کار رفته و دارای دو معنای لغوی و اصطلاحی آخرالزمانی است. در عبری «پسر انسان» از حیث لغت به معنای (ابن آدم) و در آرامی به معنای (بارناش) و در عربی به معنای (ابن آدم) و در اصل به معنای فردی انسانی و قابل اطلاق بر همه آدمیان است (موحدیان عطار و همکاران، ۱۳۹۳: ص ۱۸۳).

ویل دورانت در تاریخ تمدن می‌نویسد:

اصطلاح پسر انسان را که دانیال (دانیال ۷: ۱۳-۱۴)، مترادف مسیح عَلَيْهِ السَّلَام قرار داده بود، عیسی عَلَيْهِ السَّلَام به کاربرد؛ ابتدائاً بی‌آن که مقصود خودش باشد؛ ولی در عبارت ذیل که فرمود: «پسر انسان مالک روز سبت نیز است» (متی ۱۲: ۸؛ لوقا ۶: ۵)؛ خود را مصداق آن گردانید (ویل دورانت، ۱۳۹۰: ج ۳، ص ۶۷۰).

مستر هاکس در قاموس کتاب مقدس می‌نویسد:

مراد از پسر انسان، طبیعت جسمانی حضرت عیسی عَلَيْهِ السَّلَام است، چنان‌که مقصود از پسر خدا، طبیعت لاهوتی عیسی عَلَيْهِ السَّلَام است و گاهی مقصود از پسر انسان، خود انسان است (مستر هاکس، ۱۳۷۷: ص ۲۱۹).

در نتیجه پسر انسان، در اصل به معنای همان انسان است؛ ولی در شرایط آخرالزمانی این مفهوم، ارزش و گستره بیشتری به خود می‌گیرد و خصوصیت اصلی آن «برتر بودن از انسان عادی» است.

پیشینه شناسی

در حوزه مطالعات منجی باوری در مورد پسر انسان، دو نوع آثار باید مورد توجه قرار گیرد: الف) آثاری که به پسرانسان، به عنوان یکی از عناوین منجی آخرالزمان در یهود و مسیحیت پرداخته است؛ ب) آثاری که مستقلاً به عنوان پسر انسان پرداخته و به تمام خصوصیات آن به طور جامع و مستقل از عناوین آخرالزمانی دیگر در کتاب مقدس پرداخته باشد. در مورد نوع اول باید گفت در این زمینه کتاب‌ها و مقالات متعددی وجود دارد که به بحث منجی آخرالزمان در یهود و مسیحیت پرداخته و در آن به بحث پسر انسان به عنوان یکی از اسامی منجی اشاره شده است. در این زمینه می‌توان به «کتاب انتظار مسیحا»، در آیین یهود

(گرینستون، ۱۳۸۷: ص ۴۹)؛ اشاره کرد که حول محور بحث منجی در دین یهود نگاشته شده، در ضمن بحث منجی، به بحث پسر انسان به طور مختصر پرداخته است. همچنین می‌توان به «کتاب گونه شناسی اندیشه منجی موعود در ادیان» اشاره کرد که به صورت مجموعه مقالات تدوین شده و در دو سرفصل از دو مقاله یهودیت و مسیحیت، به بحث پسر انسان پرداخته است (موحدیان عطار و همکاران، ۱۳۹۳: ص ۱۸۰-۱۸۶ و ۲۲۹-۲۳۷).

همچنین از کتاب «پسر خدا در عهدین و قرآن» (سلیمانی اردستانی، ۱۳۸۹: ص ۹۷-۱۰۸)؛ می‌توان نام برد که به صورت مختصر و گزینشی به بحث پسر انسان پرداخته؛ زیرا عنوان پسر انسان را در کنار عنوان پسر خدا آورده و درصدد اثبات این امر برآمده که عیسی علیه السلام، پسر انسان است، نه پسر خدا.

در بین مقالات هم می‌توان به مقاله «مسیح در عهد عتیق» (پورمحمد، ۱۳۷۶: ص ۸۳-۸۶)؛ اشاره کرد که اجمالاً به بحث عنوان پسر انسان و پسر خدا نسبت به حضرت عیسی علیه السلام پرداخته و تبیین کرده که عیسی علیه السلام، خودش را پسر انسان معرفی کرده است، نه پسر خدایی که مسیحیان امروز قائلند؛ اما نوع دوم که مستقلاً، به عنوان پسر انسان و کارکردهای آن در کتاب مقدس پرداخته باشد؛ حتی یک اثر وجود ندارد. در زمینه ماهیت، مفهوم و کیستی پسر انسان کتاب یا مقاله‌ای در خور تأمل و پاسخگو موجود نیست که بدین مطالب پرداخته باشد: آیا منظور از پسر انسان، ماشیح و مسیح هست، چنان‌که اندیشمندان یهودی و مسیحی می‌گویند، یا مراد شخص دیگری است که در آخرالزمان خواهد آمد (مخصوصاً در آیاتی که حضرت عیسی علیه السلام به آمدن پسر انسان خبر می‌دهد)، بنابراین، در این تحقیق، درصدد بررسی ماهیت مفهوم پسر انسان و ارتباط آن با منجی موعود و در صورت ارتباط، تطبیق آن بر منجی موعود هستیم. از ویژگی‌های این تحقیق، بررسی ارتباط پسر انسان با موعود اسلام است و این‌که می‌توان پسر انسان را بر موعود اسلام - مخصوصاً زمانی که حضرت عیسی علیه السلام از آمدن پسر انسان خبر می‌دهد - تطبیق کرد.

عنوان پسر انسان در عهد قدیم، هم در معنای لغوی و هم در معنای اصطلاحی آخرالزمانی به کار رفته؛ اما از حیث کمیت، بیش‌تر در معنای لغوی استعمال شده است. کتاب



حزقیال نبی^۱ با ۹۳ بار، بیش‌ترین سهم را در تکرار لفظ پسرانسان در بین کتاب‌ها دارد. بعد از آن، کتاب دانیال نبی^۲ با دو بار از کتاب مزامیر داوود^۳ در بین کتاب‌های عهد قدیم پیشی گرفته است؛ با این تفاوت که در کتاب دانیال، هم در معنای لغوی و هم در معنای اصطلاحی آخرالزمانی به‌کاررفته است.

در عهد جدید هم عنوان «پسر انسان» ۸۳ مرتبه تکرار شده است که در این بین بیش‌ترین سهم از آن اناجیل است و در بین اناجیل، انجیل متی با ۳۱ بار تکرار^۴ در صدر سایر اناجیل قرار دارد. بعد از انجیل متی، انجیل لوقا با ۲۶ بار تکرار از انجیل هم‌نوی دیگر خود (مرقس)؛ که ۱۴ بار تکرار^۵ کرده، سبقت‌گرفته است. انجیل یوحنا نیز با ۱۲ بار تکرار^۶ کم‌ترین تکرار عنوان «پسر انسان» را در بین اناجیل به خود اختصاص داده است. در بین سایر کتاب‌ها در عهد جدید، فقط در سه کتاب، عنوان «پسر انسان» آمده است که این واژه در هر کدام از کتاب‌های «اعمال رسولان» و «رساله به عبرانیان»، یک‌بار آمده و در «مکاشفه یوحنا» دو بار تکرار شده است.

۱. «حزقیال» یکی از انبیای بنی‌اسرائیل بود که همراه قوم یهودا در تبعید به سر می‌برد. وی در این کتاب پیشگویی می‌کند که یهودی‌ها به‌زودی به وطن خود بازخواهند گشت و اورشلیم را دوباره بنا خواهند کرد. او با سخنان خود، قوم خود را دلداری می‌دهد و به مردم کمک می‌کند تا ایمان خود را به خداوند حفظ کنند و چشم‌به‌راه روزی باشند که به وطن خود بازمی‌گردند (کتاب مقدس، ترجمه تفسیری، ص ۷۶۲).

۲. «دانیال» پسر جوانی بود در زمانی که بخت نصر (نبوکدنصر) به کشور یهودا حمله کرد، او را به بردگی گرفت؛ اما چون از عهده خوابی که پادشاه دیده بود، برآمد؛ در حکومت بابل به مقام والایی رسید. کتاب او دارای دوازده فصل است که شش فصل اول کتاب به زندگی دانیال و خواب‌هایی که او تعبیر می‌کند، مربوط است و شش فصل دوم کتاب به خواب‌ها و رؤیاهای دانیال اختصاص دارد (ر.ک: بطرس عبدالملک و همکاران ۱۹۹۵، ذیل کلمه دانیال، حبیب سعید، بی‌تا: ۱۶۵).

۳. کتاب مزامیر که به «زبور داوود» شهرت دارد، مجموعه‌ای است از شعر و سرود که به زبانی شیوا، روحیات و رویدادهای تاریخی قوم یهود را بیان می‌کند. هفتاد و دو مزمور توسط حضرت داوود، دو مزمور توسط حضرت سلیمان، دوازده مزمور را آساف، نه مزمور را خاندان قورح و یک مزمور را موسی به رشته تحریر درآورده است (کتاب مقدس، ترجمه تفسیری، ص ۵۳۰).

۴. این تعداد در ۲۹ آیه از انجیل متی آمده است.

۵. این تعداد در ۱۳ آیه آمده است.

۶. این تعداد در ۱۱ آیه آمده است.

علمای مسیحی معتقدند عنوان «پسر انسان» را که در عهد جدید بسیار تکرار شده است؛ در بیش تر موارد خود عیسی علیه السلام در مورد خودش به کار برده است و فقط در چهار مورد است که دیگران او را پسر انسان خوانده‌اند (سلیمانی اردستانی، ۱۳۸۹: ص ۹۷).

نوشتار حاضر با روش توصیفی - تحلیلی در پی دستیابی به این سؤال است که آیا از طریق بررسی کارکردهای پسر انسان در کتاب مقدس و کارکردهای مهدی علیه السلام در کتاب و سنت، می‌توان پسر انسان را بر منجی شیعه تطبیق داد؟ آنچه مسلم است این که بررسی این کارکردها، ما را در «امکان‌سنجی تطبیقی پسر انسان کتاب مقدس بر منجی موعود شیعه» کمک می‌کند.

تطبیق کارکردهای پسر انسان بر منجی موعود اسلام

عنوان «پسر انسان» از عناوین منجی آخرالزمان در کتاب مقدس است و در ادبیات اسلام - کتاب و سنت - جایگاهی ندارد. بنابراین، بررسی مفهوم پسر انسان در اسلام معنایی نمی‌تواند داشته باشد، ولی چون اسلام از ادیان ابراهیمی و بعد از دین یهودی و مسیحی شکل گرفته و از طرفی، بحث نجات و اعتقاد به منجی موعود در آن پررنگ است؛ شاید بتوان از حیث «کارکردی»، بین منجی موعود اسلام و پسر انسان ارتباط برقرار کرد.

در آیات و روایات، کارکردهای بسیاری برای موعود اسلام ذکر شده است؛ اما در این نوشتار به کارکردهایی پرداخته می‌شود که اولاً، در متون اسلامی مورد تأکید قرار گرفته و از اهمیت خاصی برخوردار است و ثانیاً، بر «پسر انسان» در کتاب مقدس قابل تطبیق باشد.

مهدی علیه السلام آخرین ذخیره الهی از انبیا و اولیا برای بشر است. از این رو، چشم امید تمام آن‌ها به او دوخته شده و تنها کسی است که می‌تواند کار ناتمام حاملان رسالت الهی قبل از خود را تکمیل کند و تمام بشر را به هدف خلقت که عبادت خدای یگانه است برساند. بنابراین، مهدی علیه السلام دارای رسالتی بسیار سنگین، به گستره جغرافیایی تمام عالم برای تمام بشر است. در نتیجه کارهای عظیمی توسط ایشان باید صورت بگیرد تا اهداف تمام انبیا و اولیای الهی برآورده شود.

بر اساس آیات قرآن و روایات معصومین علیهم السلام، برای تحقق مدینه فاضله، اقدامات بزرگی



در زمان ظهور به دست مهدی عجل الله تعالی فرجه صورت می‌گیرد که به نمونه‌ای از آن‌ها اشاره می‌شود:

۱. پاک کردن زمین از شرک و کفر و گسترش اسلام

از منظر بعضی از آیات قرآن، یکی از مسئولیت‌های سنگینی که بر دوش مهدی عجل الله تعالی فرجه گذاشته شده است، مبارزه با شرک و کفر، گسترش اسلام بر روی زمین است. خداوند خطاب به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و مؤمنان می‌فرماید:

﴿وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ فَإِنِ انْتَهَوْا فَإِنَّ اللَّهَ بِمَا يَعْمَلُونَ بَصِيرٌ﴾؛ و با آن‌ها پیکار کنید تا فتنه [شرک و سلب آزادی] برچیده شود و دین [و پرستش] همه مخصوص خدا باشد! و اگر آن‌ها [از راه شرک و فساد بازگردند و از اعمال نادرست] خودداری کنند، [خداوند آن‌ها را می‌پذیرد] خدا به آنچه انجام می‌دهند بیناست (انفال: ۳۹).

علامه طباطبایی رحمته الله در تفسیر خود در تبیین کلمه «فتنه» در ذیل آیه ۱۹۳ بقره می‌نویسد: کلمه «فتنه» در لسان این آیات، به معنای شرک است و دلیل این که گفتیم فتنه به معنای شرک است جمله: ﴿وَيَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ﴾ است (طباطبایی، ۱۴۱۷: ج ۲، ص ۶۲).

منظور ایشان این است که چون فتنه در مقابل دین خدا قرار گرفته است؛ در این جا به معنای شرک و کفر است. طبرسی در تفسیرش می‌نویسد:

زراره و دیگران از امام صادق علیه السلام نقل کرده‌اند که تأویل این آیه نیامده؛ اما چنانچه قائم ما به پا خیزد و قیام کند، کسی که دورانش را درک کند، آنچه را از این آیه تأویل می‌شود، خواهد دید و همانا دین محمد صلی الله علیه و آله و سلم جهان را فرا خواهد گرفت. تا آن جا که هیچ مشرکی بر روی زمین نخواهد ماند (طبرسی، ۱۳۶۰: ج ۱۰، ص ۲۱۸).

بنابراین، مستفاد از آیات قرآن و روایات معصومین علیهم السلام این است که تنها عصر ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه عصر یکتاپرستی است و به تعبیری، عصر ﴿يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا﴾ (نور: ۵۵) است. اناجیل هم یکی از مهم‌ترین کارکردی که برای پسر انسان برمی‌شمارد، جدا کردن انسان‌های خوب از انسان‌های بدکار و عذاب کردن انسان‌های بدکار است. عیسی علیه السلام در جمع شاگردانش می‌فرماید:

پسر انسان، ملائکه خود را فرستاده، [است و آنان] همه لغزش دهندگان و بدکاران را جمع خواهند کرد و ایشان را به تنور آتش خواهند انداخت؛ جایی که گریه و فشار دندان بُود. آن‌گاه عادلان در ملکوت پدر خود مثل آفتاب، درخشان خواهند شد. هر که گوش شنوا دارد بشنود (متی ۱۳: ۴۱-۴۳).

حضرت عیسی علیه السلام قبل از این جملات، در جواب شاگردان خود که از معنا و مفهوم «کرکاس^۱ مزرعه» سؤال کرده بودند، می‌فرماید:

آن‌که بذر نیکو می‌کارد، پسر انسان است و مزرعه، این جهان است و تخم نیکو ابنای ملکوت و کرکاس‌ها، پسران شیرینند. فصل درو، آخر زمان است و دروگرها، فرشتگان می‌باشند. همان‌طور که در این حکایت، علف‌های هرز را دسته کردند و سوزاندند، در آخر زمان همین‌طور خواهد شد. من فرشتگان خود را خواهم فرستاد تا هر چیزی را که باعث لغزش می‌شود و هر انسان بدکاری را از ملکوت خداوند جدا کنند و آن‌ها را در کوره آتش بریزند و بسوزانند (همان، ۳۷-۴۲).

بنابراین، بر اساس آنچه از عهد جدید و آیات و روایات استفاده می‌شود، تنها در زمان منجی آخرالزمان است که زمین از هرگونه شرک و بت‌پرستی خلاصی می‌یابد و عالمیان، یکدست تحت لوای دین واحد، یکتاپرست می‌شوند.

۲. گسترش عدالت

یکی از خصیصه‌هایی که امام زمان علیه السلام را از سایر انبیا و ائمه علیهم السلام متمایز می‌کند، عدالت‌گستری آن حضرت است؛ زیرا ایشان تنها کسی است که می‌تواند عدالت را در همه جهات و در همه عرصه‌های عالم جاری کند. با دقت در روایاتی که امام زمان علیه السلام را معرفی می‌کند، این نکته به دست می‌آید که ظاهراً وجود و ظهور آن حضرت به بحث عدالت‌گستری گره خورده است (راشد محصل، ۱۳۸۱: ص ۱۸۰)؛ زیرا پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام هم وقتی می‌خواهند شاخصه‌ای مهم از امام زمان علیه السلام را بیان کنند، از عدالت‌گستری آن حضرت صحبت می‌کنند:

حَدَّثَنَا جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ مَسْرُورٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ

عَامِرٍ عَنْ عَمِّهِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَامِرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ أَبِي جَمِيلَةَ الْمُفَضَّلِ بْنِ صَالِحٍ عَنْ جَابِرِ بْنِ يَزِيدَ الْجُعْفِيِّ عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيِّ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ الْمَهْدِيُّ مِنْ وَوَلَدِي اسْمُهُ اسْمِي وَ كُنْيَتُهُ كُنْيَتِي أَشْبَهُ النَّاسَ بِى خُلُقًا وَ خُلُقًا تَكُونُ بِهِ غَيْبَةً وَ حَيْرَةً تَضِلُّ فِيهَا الْأُمَمُ ثُمَّ يُقْبَلُ كَالشَّهَابِ الثَّقَابِ يَمْلؤها عَدْلًا وَ قِسْطًا كَمَا مَلِئَتْ جَوْرًا وَ ظُلْمًا؛ جابر بن عبدالله انصاری از رسول خدا ﷺ چنین روایت می‌کند: مهدی از فرزندان من است؛ اسم او اسم من و کنیه او کنیه من است. از نظر خلق و خلقی شبیه‌ترین مردم به من است. برای او غیبت و حیرتی است که امت‌ها در آن گمراه می‌شوند. سپس مانند شهاب ثاقب پیش آید و زمین را پر از عدل و داد نماید همان‌گونه که پر از ظلم و جور شده باشد (ابن بابویه، ۱۳۵۹: ج ۱، ص ۲۸۶ و حلی ۱۴۰۸: ص ۷۰).

وصف «عدالت‌گستری» آن قدر با اسم قائم و امام زمان ﷺ درهم‌تنیده شده است که نوع اصحاب ائمه علیهم‌السلام از وجود قائم ﷺ با چنین وصفی وقتی سؤال می‌کردند:

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ الشَّيْبَانِيُّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْكُوفِيُّ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادِ الْأَدَمِيِّ عَنْ عَبْدِ الْعَظِيمِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْحَسَنِيِّ قَالَ: قُلْتُ لِمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ إِنِّي لَأَرْجُو أَنْ تَكُونَ الْقَائِمَ مِنْ أَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ الَّذِي يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَ عَدْلًا كَمَا مَلِئَتْ جَوْرًا وَ ظُلْمًا فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَا أَبَا الْقَاسِمِ مَا مِثْلُ إِيَّاكَ وَ هُوَ قَائِمٌ بِأَمْرِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ هَادٍ إِلَى دِينِ اللَّهِ وَ لَكِنَّ الْقَائِمَ الَّذِي يُطَهِّرُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ بِهِ الْأَرْضَ مِنْ أَهْلِ الْكُفْرِ وَ الْجُحُودِ وَ يَمْلؤها عَدْلًا وَ قِسْطًا هُوَ الَّذِي تَخْفَى عَلَى النَّاسِ وَ لَادَتْهُ وَ يَغِيبُ عَنْهُمْ شَخْصُهُ...؛ عبدالعظیم بن عبدالله حسنی می‌گوید: به محمد بن علی بن موسی علیه‌السلام گفتم: من امیدوارم شما همان قائم خاندان محمد ﷺ باشید که زمین را پر از عدل و داد می‌کند؛ چنانکه پر از جور و ستم شده است، فرمود: ای ابوالقاسم! نیست امامی از ما جز آن‌که به امر خدای عزوجل قائم است و به دین خدا راهبر است؛ ولی قائمی که به‌وسیله او خدای عزوجل زمین را از اهل کفر و جحود پاک و آن را پر از عدل و داد می‌کند، او چنان کسی است که ولادتش بر مردم نهان و شخصش از دیده‌ها پنهان است و...

(خرزازی، ۱۴۰۱: ص ۲۸۱ و ابن بابویه، ۱۳۵۹: ج ۲، ص ۳۷۷).

بنابراین، حضرت مهدی ﷺ تنها منادی عدالت و تنها حاکمی است که در گستره حکومتش، یعنی تمام کره زمین، عدالت در همه‌جا سایه می‌افکند؛ و این، همان معنای «یَمْلَأُ

اللَّهُ بِهِ الْأَرْضُ قَيْسُطًا وَعَدْلًا» (هلالی، ۱۴۰۵: ج ۲، ص ۵۶۷) است؛ و این عدالت فراگیر مهدی علیه السلام سبب آبادانی و عمران این جهان می‌شود، بعد از آن که که جهان توسط ظلم، نابود و خراب شده است.

عدالت فراگیر امام زمان علیه السلام نه تنها تمام جوامع انسانی، بلکه همه هستی را فرا می‌گیرد و این فراگیری موجب انسجام و ارتباط بهتر و کامل تر بین اعضا و اجزای این جهان می‌شود که نتیجه آن، عمران و آبادانی این جهان است. در کتاب مقدس هم بحث عدالت پسر انسان بسیار پررنگ است در عهد جدید از عدالتی سخن می‌گویند که با بحث داوری^۱ در آغاز شکل‌گیری سلطنت و حکومت هزار ساله عیسی علیه السلام (مکاشفه یوحنا ۲۰: ۱-۶) گره خورده است؛ زیرا از مهم‌ترین اقدامات عیسی علیه السلام پس از بازگشت، قضاوت عادلانه و دادرسی نسبت به حقوق انسان‌هاست (تسین هنری، بی‌تا: ص ۳۷۰-۳۷۱). عهد جدید با توجه به ملاقات نهایی انسان‌ها با مسیح علیه السلام هنگام رجعت او، از داوری خاصی سخن می‌گوید که عیسی علیه السلام در این داوری بر کرسی عدالت نشسته و بین آن‌ها قضاوت می‌کند (تعالیم کلیسای کاتولیک، ۱۳۹۳: ص ۳۰۶).

متی در انجیلش در مقام تشریح داوری پسر انسان می‌گوید:

زیرا که پسر انسان خواهد آمد در جلال پدر خویش به اتفاق ملائکه خود و در آن وقت هر کسی را موافق اعمالش جزا خواهد داد (متی ۱۶: ۲۷)؛ یا در جای دیگر می‌گوید:

لیکن به شما می‌گویم که هر سخن باطل که مردم گویند، حساب آن را در روز داوری خواهند داد (متی ۱۲: ۳۶).

این که پسر انسان، انسان‌ها را بر اساس اعمال آن‌ها جزا می‌دهد، یا این که هر کس بر اساس عملکرد خود جزا می‌بیند؛ این، همان معنای عدالت، البته در مرحله داوری است. در انجیل یوحنا به طور صریح به این عدالت در مقام داوری اشاره شده است:

۱. داوری مسیح علیه السلام در دو نوبت انجام خواهد شد: نخست در آغاز شکل‌گیری ملکوت (سلطنت هزارساله) و بر روی زمین خواهد بود. در این داوری همه امت‌ها جمع خواهند شد و برای صالحان حیات ابدی و برای شریران مجازات ابدی در نظر گرفته می‌شود. داوری دوم در آسمان‌ها انجام خواهد شد (ر.ک: نیک دل، محمدجواد، ۱۳۹۱: ص ۳۴۹-۳۵۰).

و بدو قدرت بخشیده است که داوری هم بکند، زیرا پسر انسان است و از این تعجب مکنید، زیرا ساعتی می‌آید که در آن جمیع کسانی که در قبور می‌باشند، آواز او را خواهند شنید و بیرون خواهند آمد. هر که اعمال نیکو کرد، برای قیامت حیات و هر که اعمال بد کرد، به جهت قیامت داوری (یوحنا ۵: ۲۷-۲۹).

در عهد قدیم نیز از «عدالت ماشیح» در همه عرصه‌های حکومتش سخن می‌راند. اشعیای نبی می‌گوید:

بلکه مسکینان را به عدالت داوری خواهد کرد و به جهت مظلومان زمین به راستی حکم خواهد نمود و جهان را به عصای دهان خویش زده، شریبان را به نفخه لب‌های خود خواهد کشت؛ و کمر بند کمرش عدالت خواهد بود و کمر بند میانش امانت (اشعیا ۱۱: ۴-۵).

نیز در مزامیر داوود عليه السلام چنین آمده است:

ای خدا، انصاف خود را به پادشاه ده و عدالت خویش را به پسر پادشاه! و او قوم تو را به عدالت داوری خواهد نمود و مساکین تو را به انصاف. آن‌گاه کوه‌ها برای قوم، سلامتی را بار خواهند آورد و تل‌ها نیز در عدالت. مساکین قوم را دادرسی خواهد کرد و فرزندان فقیر را نجات خواهد داد و ظالمان را زیون خواهد ساخت. از تو خواهند ترسید، مادامی که آفتاب باقی است و مادامی که ماه هست تا جمیع طبقات. او مثل باران بر علفزار چیده شده فرود خواهد آمد و مثل بارش‌هایی که زمین را سیراب می‌کند. در زمان او صالحان خواهند شکفت و وفور سلامتی خواهد بود، مادامی که ماه نیست نگردد؛ و او حکمرانی خواهد کرد از دریا تا دریا و از نهر تا اقصای جهان (مزامیر ۷۲: ۱-۸).

با این اوصاف، عدالتی که عهد قدیم برای پسر انسان ترسیم می‌کند، با آنچه اسلام برای مهدی عليه السلام ترسیم می‌سازد، نزدیک‌تر است تا آنچه در مسیحیت ملاحظه می‌شود؛ زیرا یهود، همانند اسلام، نجات و اجرای عدالت را در همه عرصه‌های حکومت می‌دانند؛ برعکس مسیحیت اجرای عدالت را همراه با داوری و قبل از حکومت هزارساله می‌داند. از این‌رو، اگرچه مسیحیت در اصل بسط عدالت توسط منجی موعود با اسلام مشترک است؛ ولی در زمان و نحوه اجرای آن با اسلام اختلاف دارد.

۳. تشکیل حکومت جهانی

هدف حکومت ولی عصر علیه السلام در آخرالزمان تحقق و اجرای عدالت در همه عرصه‌های اجتماع است. با ملاحظه روایات مربوط به امام زمان علیه السلام و همچنین دعاها و زیارت‌های مربوط به ایشان؛ آنچه مبرهن می‌گردد، تاکید بر «قسط» و «عدل» است: «وَأَنْتَ الَّذِي تَمَلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا بَعْدَ مَا مَلَأْتَ ظُلْمًا وَجُورًا» (ابو معاش، ۱۴۳۰: ص ۵۷۰ و مجتهدی، ۱۳۸۸: ص ۱۲۸).

فراگیر شدن عدالت در جهان، مستلزم تشکیل حکومت جهانی تحت رهبری عادل است. فراگیر بودن دعوت و حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام، مورد اتفاق فریقین است و آیات و روایات بسیاری بر این مسئله دلالت دارد؛ چنان که قرآن کریم می‌فرماید:

﴿وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ﴾ (انبیاء: ۱۰۵)؛ در آیه‌ای دیگر: ﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ﴾ (نور: ۵۵).

کلمه «الارض» در این آیات، به صورت مطلق آمده و طبعاً گستره کره زمین را در بر می‌گیرد و در واقع سراسر جهان را شامل می‌گردد؛ مگر این که قرینه خاصی در کار باشد که محدوده آن را ضیق کند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۳: ص ۵۱۵). بدین تفسیر، خداوند در این آیات از «ارث بردن کل زمین» توسط نیکوکاران و استخلاف آن‌ها بر روی زمین سخن می‌گوید.

روایات، علاوه بر این آیات، بر این موضوع دلالت دارد:

حَدَّثَنَا جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ مَسْرُورٍ قَالَ حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ غَامِرٍ عَنِ الْمُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ الْبَصْرِيِّ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ سَلِيمَانَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ الْحَكَمِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ سَعِيدِ بْنِ جُبَيْرٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبَّاسٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِنَّ خُلَفَائِي وَأَوْصِيَائِي وَحُجَجَ اللَّهِ عَلَى الْخَلْقِ بَعْدِي اثْنَا عَشَرَ أَوْ لَهْمُ أَخِي وَآخِرُهُمْ وَكَلْدِي قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَمَنْ أَخُوكَ قَالَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ قِيلَ فَمَنْ وَكَلْدَكَ قَالَ الْمَهْدِيُّ الَّذِي يَمْلُؤُهَا قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مَلَأْتَ جُورًا وَظُلْمًا وَالَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ نَبِيًّا لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ أَطْوَلَ اللَّهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى يَخْرُجَ فِيهِ وَكَلْدِي الْمَهْدِيُّ فَيَنْزِلُ رُوحَ اللَّهِ عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ فَيُصَلِّيَ خَلْفَهُ وَتُشْرِقَ الْأَرْضُ بِنُورِهِ وَ يَبْلُغُ سُلْطَانَهُ الْمَشْرِقَ وَ الْمَغْرِبَ؛ پیامبر ﷺ فرمود: پس از من، خلفا و اوصیا و حجت‌های الهی بر خلق



دوازده نفرند که اول آنان برادرم و آخرین ایشان فرزند من است. گفتند: ای رسول خدا! برادر شما کیست؟ فرمود: علی بن ابی طالب. گفتند: فرزند شما کیست؟ فرمود: مهدی؛ کسی که زمین را پر از عدل و داد می‌کند همان‌گونه که پر از ظلم و جور شده باشد و سوگند به خدایی که مرا به حق به پیامبری برانگیخت، اگر از عمر دنیا جز یک روز باقی نمانده باشد، خداوند آن روز را طولانی کند تا به غایتی که فرزندم مهدی در آن روز ظهور کند و روح الله عیسی بن مریم فرود آید و پشت سر او نماز خواند و زمین به نورش روشن گردد و حکومتش به شرق و غرب عالم خواهد رسید^۱ (ابن بابویه، ۱۳۹۵: ج ۱ ص ۲۸۰).

در این روایت، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله یکی از اهدافی را که بر ظهور مهدی عج مترتب می‌شود، تشکیل حکومت بیان می‌کند.

در کتاب مقدس نیز تشکیل حکومت و داوری عادلانه از شئون پسر انسان بعد از ظهور، معرفی شده است. بر اساس آنچه در کتاب دانیال از عهد قدیم آمده است، پسر انسان، ملک و حکومت جهانی و جاودانی خواهد داشت:

و در رؤیای شب نگریستم و اینک مثل پسر انسان با ابرهای آسمان آمد و نزد قدیم الایام رسید و او را به حضور وی آوردند و سلطنت و جلال و ملکوت به او داده شد تا جمیع قوم‌ها و امت‌ها و زبان‌ها او را خدمت نمایند. سلطنت او سلطنت جاودانی و بی‌زوال است و ملکوت او زایل نخواهد شد... . تا حینی که قدیم الایام آمد و داوری به مقدسان حضرت اعلا تسلیم شد و زمانی رسید که مقدسان ملکوت را به تصرف

۱. البته از روایاتی که دال بر گسترش «عدالت» در همه عرصه‌ها در زمان حضرت مهدی عج است، می‌توان به گسترش حکومت در کل زمین استدلال کرد؛ زیرا تا حکومت به عرض و طول جغرافیایی این زمین گسترش پیدا نکرده باشد، نمی‌تواند در این ابعاد عدالت جاری شود؛ مانند روایتی که ابوسعید خدری از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله چنین نقل می‌کند: «يُنزَلُ بِأَمْرِي فِي آخِرِ الزَّمَانِ بِلَاءٌ شَدِيدٌ مِنْ سُلْطَانِهِمْ لَمْ يَسْمَعْ النَّاسُ بِبِلَاءٍ أَشَدَّ مِنْهُ حَتَّى تَضِيقَ عَلَيْهِمُ الرَّحْبَةَ وَ حَتَّى تَمَلَأَ الْأَرْضَ جَوْرًا وَ ظُلْمًا ثُمَّ إِنَّ اللَّهَ يَبْعَثُ رَجُلًا يَمْلَأُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ بِهِ الْأَرْضَ قِسْطًا وَ عَدْلًا كَمَا مِلْتُ جَوْرًا وَ ظُلْمًا...» (شوشتری، ۱۴۰۹: ج ۱۳، ص ۱۵۲ و طبری آملی، ۱۴۱۳: ج ۲، ص ۲۵۰).

آوردند (دانیال ۷: ۱۳-۱۴ و ۲۲).

دانیال نبی عليه السلام در این رؤیای خود، علاوه بر این که از اعطای حکومت و سلطنت به پسر انسان خبر می‌دهد، از امری مهم‌تر پرده برمی‌دارد و آن این است که تمام امتهای با تمام اختلاف‌هایی که در زبان و نژاد و رنگ پوست دارند، پسرانسان را خدمت می‌کنند: «تا جمیع قوم‌ها و امتهای و زبان‌ها او را خدمت نمایند». لازمه چنین سخنی، این است که پسر انسان بر تمام عالم غلبه پیدا کند و این، می‌تواند همان معنای گسترش جهانی حکومت باشد؛ چنان که معبر خواب دانیال به آن اشاره می‌کند:

و ملکوت و سلطنت و حشمت مملکتی که زیر تمامی آسمان‌هاست، به قوم مقدسان حضرت اعلا داده خواهد شد که ملکوت او ملکوت جاودانی است و جمیع ممالک، او را عبادت و اطاعت خواهند نمود (همان، ۲۷).

در عهد جدید هم متی یکی از شئون پسر انسان را تشکیل حکومت و پادشاهی بر ملت‌ها می‌داند: اما چون پسر انسان در جلال خود با جمیع ملائکه مقدس خویش آید، آن‌گاه بر کرسی جلال خود خواهد نشست و جمیع امتهای در حضور او جمع شوند و آن‌ها را از همدیگر جدا می‌کند؛ به قسمی که شبان‌ها را از بزها جدا می‌کند و میش‌ها را بر دست راست و بزها را بر چپ خود قرار دهد (متی ۲۵: ۳۱-۳۳).

در این عبارت، منظور از «کرسی جلال»، «تخت داوری» است که طبق بسیاری از آیات کتاب مقدس توسط عیسی عليه السلام انجام می‌گیرد. در این صورت، عیسی عليه السلام باید صاحب قدرت و نفوذ باشد؛ زیرا کسی می‌تواند انسان‌های خوب را از بد جدا کند که حاکم صاحب قدرت باشد؛ چنان که یوحنا و متی به این مقام اشاره می‌کنند:

...سلطنت جهان از آن خداوند ما و مسیح او شد و تا ابدالآباد حکمرانی خواهد کرد... . تا بر ایشان داوری شود و تا بندگان خود، یعنی انبیا و مقدسان و ترسندگان نام خود را چه کوچک و چه بزرگ اجرت دهی و مُفسدان زمین را فاسد گردانی (مکاشفه یوحنا ۱: ۱۵-۱۸) و نیز آن‌گاه پادشاه به اصحاب طرف راست گوید: بیایید ای برکت یافتگان از پدر من! ملکوتی را که از ابتدای عالم برای شما آماده شده است، به میراث گیرید (متی ۲۵: ۳۴).

متی و یوحنا با عبارات مذکور، درصدد بیان این نکته هستند که به ارث بردن ملکوت خدا



توسط انسان‌های خوب، جز با گسترش پادشاهی پسر انسان و حکومت عادلانه او میسر نیست. با توجه به آنچه بیان شد، از طرفی کتاب مقدس از غلبه حکومت پسر انسان در آخرالزمان و به ارث بردن زمین توسط خوبان خبر می‌دهد و از طرف دیگر، متون اسلامی، از به ارث بردن زمین توسط صالحان^۱ در زمان حکومت حضرت مهدی علیه السلام خبر می‌دهد. پس معلوم می‌گردد که ادیان ابراهیمی حکومت بر روی زمین را در آخرالزمان از آن «صالحان» می‌داند.

شباهت‌های مهدی علیه السلام با پسر انسان در ظهور

علاوه بر این که بین مهدی علیه السلام و پسر انسان، مشترکاتی از حیث کارکرد وجود دارد؛ در بعضی از خصوصیات دیگر، مانند آنچه در مقوله ظهور است، مشترکات عمیقی دیده می‌شود؛ زیرا پسر انسان در خیلی از مباحثی که با ظهور گره‌خورده است، مانند حوادث قبل و بعد و حین ظهور، نحوه ظهور و جمع شدن یاران آن و زمان ظهور، با مهدی علیه السلام مشترک است که به بررسی مواردی از آن‌ها که در کتاب مقدس و روایات اسلامی صراحت بیشتری دارد، پرداخته می‌شود:

۱. شباهت مهدی علیه السلام با پسر انسان در حوادث قبل از ظهور

از جمله مواردی که در روایات اسلامی مکرر آمده، وقوع زلزله‌ها، قحطی‌ها، جنگ‌ها و اغتشاش‌ها در آستانه ظهور است که به حوادث آخرالزمان معروف است؛ چنان که امام باقر علیه السلام از علی بن ابی‌طالب علیه السلام نقل می‌فرماید: وقتی که در شام دو نفر که مدعی حکومت هستند، با هم درافتادند؛ این مخالفت آیه‌ای از نشانه‌های خداوند است. به محضر امام عرض شد: بعد چه می‌شود؟ فرمودند: بعد از آن، شام از این اختلاف چنان دچار ناامنی می‌شود که یک‌صد هزار نفر در آن به هلاکت می‌رسند و ... وقتی چنان شود، پس به سوار این مرکب‌های سفید و سیاه و گوش و دم بریده بنگرید و نیز به پرچم‌های زرد که از مغرب روی می‌آورد تا به شام برسند و این، به هنگام بزرگ‌ترین بی‌تابی و اندوه و مرگ سرخ است. وقتی چنان شد به فروریختن قریه‌ای از دمشق که به آن حرستا گفته می‌شود، بنگرید و چون چنین شود، پسر

۱. «أَنَّ الْأَرْضَ يَرْتُهَا عِبَادِي الصَّالِحُونَ» (انبیاء: ۱۰۵).

جگرخواره [پسر هند] از وادی یابس [دره خشک] خروج کند تا بر منبر دمشق نشیند و چون چنین شود، منتظر خروج مهدی علیه السلام باشید^۱ (نعمانی، ۱۳۹۷: ص ۳۰۵؛ شریف عسکری، ۱۳۶۰: ج ۲، ص ۲۷۷ و مقدسی شافعی سلمی، ۱۴۲۸: ص ۸۴).

کتاب مقدس نیز از چنین حوادثی در آستانه ظهور سخن می‌گوید. حضرت عیسی علیه السلام در جواب شاگردان خود که از حوادث آخرالزمان سؤال کرده بودند؛ می‌گوید:

اما چون جنگ‌ها و اخبار جنگ‌ها را بشنوید؛ مضطرب مشوید زیرا وقوع این حوادث ضروری است؛ لیکن انتها هنوز نیست؛ زیرا امتی بر امتی و مملکتی بر مملکتی خواهند برخاست و زلزله‌ها در جای‌ها حادث خواهد شد و قحطی‌ها و اغتشاش‌ها پدید می‌آید و این‌ها، ابتدای دردهای زه است... زیرا در آن ایام، چنان مصیبتی خواهد شد که از ابتدای خلقتی که خدا آفرید، تاکنون نشده و نخواهد شد و اگر خداوند آن روزها را کوتاه نکردی، هیچ بشری نجات نیافتی. لیکن به جهت برگزیدگانی که انتخاب نموده است، آن ایام را کوتاه ساخت... و در روزهای بعد از مصیبت، خورشید تاریک گردد و ماه نور خود را بازگیرد و ستارگان از آسمان فرو ریزند و قوای افلاک متزلزل خواهد گشت. آن‌گاه پسر انسان را بینند که با قوت و جلال عظیم برابرها می‌آید (مرقس ۱۳: ۷-۲۶).

وقوع جنگ‌ها و آشوب‌ها در آستانه ظهور، به نحوی در کتاب مقدس پررنگ است که بعضی از علمای اهل کتاب به وقوع حتمی آن اعتقاد دارند و حتی معتقدند برای تسریع در ظهور موعود، دنیا باید آستان حوادث جنگ و آشوب شود؛ زیرا تا دنیا به جنگ و آشوب مبتلا نشود، موعود نمی‌آید. در این باره یکی از روزنامه‌نگاران آمریکایی به نام «سوزان نیکول» در

۱. أَخْبَرَنَا عَلِيُّ بْنُ أَحْمَدَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُوسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُوسَى قَالَ أَخْبَرَنِي أَحْمَدُ بْنُ أَبِي أَحْمَدَ الْمَعْرُوفُ بِأَبِي جَعْفَرِ الْوَرَّاقِ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ عَبَّاسٍ عَنْ مَهَاجِرِ بْنِ حَكِيمٍ عَنِ الْمُغِيرَةِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرِ الْبَاقِرِ عليه السلام أَنَّهُ قَالَ: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام إِذَا اخْتَلَفَ الرُّمَّانُ بِالشَّامِ لَمْ تَنْجَلْ إِلَّا عَنْ آيَةٍ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ قِيلَ وَ مَا هِيَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ قَالَ رَجْفَةٌ تَكُونُ بِالشَّامِ يَهْلِكُ فِيهَا أَكْثَرُ مِنْ مِائَةِ أَلْفٍ يَجْعَلُهَا اللَّهُ رَحْمَةً لِلْمُؤْمِنِينَ وَ عَذَابًا عَلَى الْكَافِرِينَ فَإِذَا كَانَ ذَلِكَ فَانظُرُوا إِلَى أَصْحَابِ الْبِرَازِيزِ الشُّهْبِ الْمَحْدُوفَةِ وَ الرَّأْيَاتِ الصُّفْرِ تُقْبَلُ مِنَ الْمَغْرِبِ حَتَّى تَحُلَّ بِالشَّامِ وَ ذَلِكَ عِنْدَ الْجَزَعِ الْأَكْبَرِ وَ الْمَوْتِ الْأَحْمَرِ فَإِذَا كَانَ ذَلِكَ فَانظُرُوا خَسْفَ قَرْيَةٍ مِنْ دِمَشَقٍ يُقَالُ لَهَا حَرَسْنَا فَإِذَا كَانَ ذَلِكَ خَرَجَ ابْنُ أَكَلَةَ الْأَكْبَادِ مِنَ الْوَادِي الْيَابِسِ حَتَّى يَسْتَوِيَ عَلَى مَنبَرِ دِمَشَقٍ فَإِذَا كَانَ ذَلِكَ فَانظُرُوا خُرُوجَ الْمَهْدِيِّ عليه السلام.

مقاله‌ای می‌نویسد:

از جمله آموزه‌های رابرت تیم^۱ این بود که تمام تلاش‌های صورت گرفته برای دست‌یابی به صلح جهانی باید از بین بروند؛ چون خداوند جهان را در آشوب و جنگ می‌خواهد تا زمین را نابود کند (گریس هالس، ۱۳۸۹: ص ۱۴۳).

۲. شباهت مهدی عجل الله فرجه با پسر انسان در ظهور ناگهانی

یکی از مؤلفه‌هایی که عیسی علیه السلام به آن بسیار سفارش می‌کند و در روایات ما به‌طور مکرر به آن پرداخته شده، « نامعلوم بودن زمان ظهور » است.

حضرت عیسی علیه السلام ظهور پسر انسان را به طوفان نوح (متی ۲۴: ۳۶-۳۹)، آمدن دزد (همان، ۴۲-۴۴) و افتادن دام بر سر انسان (لوقا ۲۱: ۳۴-۳۶)، تشبیه می‌کند. همان‌طور که افرادی که در زمان حضرت نوح علیه السلام زندگی می‌کردند، از زمان طوفان خبری نداشتند؛ همچنین در آخرالزمان نیز کسی از زمان آمدن پسر انسان خبر ندارد.

در روایات اسلامی زمان ظهور امام زمان علیه السلام به «زمان قیامت» تشبیه شده است؛ چنان که امام رضا علیه السلام به دعبل خزاعی فرمود:

... اما این که کی خواهد آمد؛ این اخبار از وقت است و پدرم از پدرانش روایت کرده که به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله گفتند: ای رسول خدا! قائم از فرزندان شما چه زمانی خروج می‌کند؟ فرمود: مَثَلُ او مَثَلُ قِيَامَتِ اسْتِ كِه ﴿لَا يُجَلِّيهَا لِوَقْتِهَا إِلَّا هُوَ ثَقَلَتْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَا تَأْتِيكُمْ إِلَّا بَغْتَةً﴾ (اعراف: ۱۸۷) (ابن بابویه، ۱۳۷۸: ج ۲، ص ۲۶۶ و همان، ۱۳۵۹: ج ۲، ص ۳۷۳).

بنابراین، همان‌طور که هیچ‌کس جز خدا از زمان وقوع قیامت خبر ندارد، کسی جز خدا نمی‌تواند از زمان ظهور خبر داشته باشد و این، همان معنای کلام عیسی علیه السلام است که فرمود: «اما از آن روز و ساعت هیچ‌کس اطلاع ندارد؛ حتی ملائکه آسمان جز پدر من و بس (متی ۲۴: ۳۶).

بنا بر آنچه در اناجیل و روایات اسلامی آمده است، نه تنها زمان ظهور مخفی است، بلکه ظهور نیز امری ناگهانی خواهد بود. عیسی علیه السلام در جمع حواریون برای ایجاد آمادگی درک

۱. روحانی کلیسای پیراتا در هوستون (ر.ک: گریس هالس، یدالله، ص ۱۴۳).

ظهور در حواریون می‌فرماید: «لهذا شما نیز حاضر باشید؛ زیرا در ساعتی که گمان نبرید، پسر انسان می‌آید» (همان، ۴۴ و ۵۰).

پیامبر اکرم ﷺ نیز با تشبیه زمان ظهور به مسئله قیامت، علاوه بر نامعلوم بودن وقت ظهور بر ناگهانی بودن امر ظهور استدلال می‌کند؛ زیرا خداوند نسبت به تحقق قیامت می‌فرماید: ﴿... لَا تَأْتِيكُمْ إِلَّا بَغْتَةً﴾ (اعراف: ۱۸۷)؛ (خزاز رازی، ۱۳۶۰: ص ۲۵۰).

۳. شباهت مهدی ﷺ با پسر انسان در نحوه نزول

در عهد جدید وقتی عیسی عليه السلام در جمع حواریون از حوادث آخرالزمان صحبت می‌کند، به نحوه نزول «پسر انسان» اشاره دارد و می‌فرماید:

آن‌گاه پسر انسان را بینند که با قوت و جلال عظیم بر ابرها می‌آید. در آن وقت، فرشتگان، خود را از جهات اربعه از انتهای زمین تا به اقصای فلک فراهم خواهد آورد (مرقس ۱۳: ۲۶-۲۷).

حضرت عیسی عليه السلام در این آیه به مرکب پسر انسان که با آن نزول می‌فرماید، اشاره می‌کند و می‌فرماید که ایشان «بر ابرها می‌آید». در روایات اسلامی هم از «ابر» به عنوان مرکب مهدی عليه السلام اشاره شده است. در روایات صحیح‌السند آمده است که خدای تعالی ابری به نام رعد و برق را برای مهدی عليه السلام ذخیره کرده است که بر آن سوار می‌شود و بین آسمان و زمین راه می‌رود. از امام باقر عليه السلام چنین روایت شده است:

حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ سِنَانٍ عَنْ عَبْدِ الرَّحِيمِ أَنَّهُ قَالَ: ابْتَدَأَنِي أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام فَقَالَ أَمَا إِنَّ ذَا الْقَرْنَيْنِ قَدْ خَيْرَ السَّحَابَيْنِ فَاخْتَارَ الدَّلُولَ وَدَخَرَ لِصَاحِبِكُمْ الصَّعْبَ قُلْتُ وَمَا الصَّعْبُ قَالَ مَا كَانَ مِنْ سَحَابٍ فِيهِ رَعْدٌ وَبَرْقٌ وَصَاعِقَةٌ فَصَاحِبُكُمْ يَرْكَبُهُ أَمَا إِنَّهُ سَيَرْكَبُ السَّحَابَ وَيَرْقَى فِي الْأَسْبَابِ أَسْبَابِ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ خَمْسَةَ عَوَامِرٍ وَاثْنَيْنِ [اثْنَانِ] خَرَابٌ؛ آگاه باشید! به درستی که ذو القرنین را میان دو ابر مخیر کردند؛ پس دلول؛ یعنی رام را برگزید و صعب برای صاحب شما ذخیره شد. راوی پرسید: صعب کدام است؟ فرمود: «آن ابری که در آن رعدوبرق یا صاعقه باشد». پس صاحب شما بر آن سوار می‌شود. آگاه باشید! آن جناب بر آن ابر سوار می‌شود، پس او را در راه‌های هفت آسمان و هفت زمین بالا می‌برد که پنج‌تای آن معمور و دوتای آن خراب است» (صفار، ۱۴۰۴: ص ۴۰۹؛ مفید، ۱۴۱۳: ص ۱۹۹ و مجلسی، بی‌تا: ج ۵۲، ص ۳۲۱).



۴. شباهت مهدی علیه السلام با پسر انسان در نحوه جمع شدن یاران

بعد از این که منجی نزول و ظهور کرد، برای پیشبرد اهداف خویش به وجود یارانی ثابت قدم که او را در این راه کمک کنند، نیاز دارد. عهد جدید و روایات اسلامی به طور مشترک به نحوه جمع شدن یاران در کنار منجی اشاره می‌کند.

عیسی علیه السلام بعد از آن که به نحوه نزول پسر انسان اشاره کرد، به نحوه جمع شدن یاران پسر انسان این گونه اشاره می‌کند: «...در آن وقت، فرشتگان خود را از جهات اربعه از انتهای زمین تا به اقصای فلک فراهم خواهد آورد» (مرقس ۱۳: ۲۶-۲۷).

مک‌دونالد در تفسیرش بر این آیه می‌نویسد:

او فرشتگان خود را اعزام می‌کند تا به دور برگزیدگانش جمع شوند؛ یعنی همان کسانی که در تمام دوره مصیبت و جفا او را به‌عنوان خداوند و نجات‌دهنده خود اقرار کردند. از پایان یک نقطه جهان تا پایان نقطه دیگر آن؛ از چین تا کلمبیا خواهند آمد تا از برکات سلطنت هزارساله او روی زمین بهره ببرند (مک‌دونالد، ۱۹۹۵: تفسیر انجیل مرقس، ص ۷۲).

روایات ما هم مانند این جمله عیسی علیه السلام به نحوه اجتماع اصحاب مهدی علیه السلام در مکه معظمه، در یوم الدعوه و یوم البیعه اشاره دارد. عبدالعظیم حسنی رحمته الله از حضرت امام محمدتقی علیه السلام روایت می‌کند که امام در این خصوص می‌فرماید:

يَجْتَمِعُ إِلَيْهِ مِنْ أَصْحَابِهِ عِدَّةٌ أَهْلُ بَدْرٍ ثَلَاثِمِائَةٍ وَ ثَلَاثَةٌ عَشَرَ رَجُلًا مِنْ أَقْاصِي الْأَرْضِ وَ ذَلِكَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ ﴿ أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعًا إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴾ فَإِذَا اجْتَمَعَتْ لَهُ هَذِهِ الْعِدَّةُ مِنْ أَهْلِ الْإِخْلَاصِ أَظْهَرَ اللَّهُ أَمْرَهُ فَإِذَا كَمَلَ لَهُ الْعَقْدُ وَ هُوَ عَشْرَةٌ أَلْفَ رَجُلٍ خَرَجَ بِإِذْنِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فَلَا يَزَالُ يُقْتَلُ أَعْدَاءَ اللَّهِ حَتَّى يَرْضَى اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ. قَالَ عَبْدُ الْعَظِيمِ فَقُلْتُ لَهُ يَا سَيِّدِي وَ كَيْفَ يَعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ قَدْ رَضِيَ قَالَ يُلْقَى فِي قَلْبِهِ الرَّحْمَةُ فَإِذَا دَخَلَ الْمَدِينَةَ أُخْرِجَ اللَّاتَ وَ الْعُرَى فَأَحْرَقَهُمَا؛ ... یارانش که به شماره اهل بدرند. از دورترین نقطه‌های زمین گرد او فراهم شوند و این است تفسیر گفته خدای عز و جل [بقره: ۱۴۸] که می‌فرماید: «هرکجا باشید، خدا شما را گرد هم می‌آورد. به‌درستی که خدا بر هر چیز توانا است.» چون این شماره از مردم زمین از اهل اخلاص گرد او جمع شوند، خدا امر او را آشکار کند و چون شماره آن‌ها یک عقد کامل شد که ده هزار مرد است، به

اذن خدا خروج کند و پی‌درپی دشمنان خدا را بکشد تا خدای تعالی راضی گردد. عبدالعظیم گوید: عرض کردم: سرورم! چگونه بداند که خدای عزوجل راضی شده است؟ فرمود: دلش را مهربان کند و چون در مدینه آید لات و عززی بیرون آورد و آتش زند (ابن بابویه، ۱۳۵۹: ج ۲: ص ۳۷۸؛ طبرسی، ۱۳۶۱: ج ۲، ص ۴۴۹ و همان، ۱۳۹۰: ص ۴۳۵).

نتیجه‌گیری

بر اساس بررسی‌های صورت گرفته در کتاب مقدس، برای شخص منجی عناوین متعددی در کتاب مقدس آمده که از آن جمله، اصطلاح آخرالزمانی «پسر انسان» است که فراوان در هریک از کتاب‌های عهد عتیق و جدید به کاررفته و یهودیان و مسیحیان آن را بر منجی پایانی خود انطباق می‌دهند. در عهد جدید که بیش‌ترین کاربرد لفظ «پسر انسان» در اصطلاح آخرالزمانی وجود دارد، پسر انسان بر عیسی علیه السلام منطبق داده می‌شود؛ مخصوصاً بر اساس عبارت‌هایی که عیسی علیه السلام خود را صریحاً «پسر انسان» معرفی می‌کند؛ اما چون دو دوره و نقش برای حضرت عیسی علیه السلام متصور است، در مواردی که عیسی علیه السلام خود را پسر انسان معرفی می‌کند و به زمان قبل از تصلیب اشاره دارد؛ در این صورت، مفهوم پسر انسان کاملاً بر حضرت عیسی علیه السلام منطبق است؛ اما در مواردی که به زمان پس از تصلیب و پایان جهان اشاره دارد، معلوم نیست عیسی علیه السلام از مفهوم پسر انسان خودش را اراده کرده باشد، بلکه ممکن است نجات‌دهنده دیگری را که پسر انسان است، اراده کرده باشد؛ چنان که برخی از علمای مسیحی می‌گویند در بیش‌تر موارد، مراد از پسر انسان خود عیسی علیه السلام نیست، بلکه باید شخص دیگری مراد باشد؛ و لذا برخی صاحب نظران معتقدند در مواردی که مراد از پسر انسان خود عیسی علیه السلام نیست، منظور موجود انسانی (آدمیزاد) است که در این صورت مسیح با افراد مطهر جامعه حکومت برپا می‌کند که تنها مسیح را شامل نمی‌شود، بلکه افراد دیگری را نیز شامل می‌گردد. در آن‌جا می‌توان گفت افرادی نیز با حضرت مسیح هستند، از جمله امام مهدی علیه السلام که عقیده مسلمانان است.

از این‌رو، تنها کسی که با خصوصیات پسر انسان قابلیت انطباق دارد، موعود اسلام حضرت مهدی علیه السلام است. اگرچه در کتاب و سنت اسلام چنین عنوانی برای موعود اسلام به کار نرفته است؛ از جهت کارکردها و اهداف، بین موعود اسلام و پسر انسان ارتباط عمیقی



وجود دارد؛ زیرا از حیث کارکردی بین موعود اسلام و پسر انسان شباهت‌های زیادی وجود دارد که موجب نزدیک شدن این دو به یکدیگر می‌شود. این شباهت‌ها به قدری زیاد است که حتی می‌توان گفت پسر انسان همان موعود اسلام است؛ اگرچه در اسم با هم تفاوت دارند.

منابع

قرآن کریم

۱. ابومعاش، سعید (۱۴۳۰ق). *الإمام المهدي عليه السلام في القرآن والسنة*، مشهد، آستانه الرضوية المقدسة، مجمع البحوث الإسلامية.
۲. ابن بابويه، محمد بن علی (۱۳۹۵ق). *كمال الدين و تمام النعمة*، مصحح: علی اکبر غفاری، تهران، دار الکتب الإسلامية.
۳. _____ (۱۳۷۸ق). *عیون أخبار الرضا عليه السلام*، مصحح: مهدی لاجوردی، تهران، نشر جهان.
۴. بطرس عبدالملک و همکاران (۱۹۹۵م). *قاموس الكتاب المقدس*، القاهرة، دارالتقافة.
۵. تسین، هنری (بی تا). *الهیات مسیحی*، مترجم طاطاوس میکانلیان، بی جا، انتشارات حیات ابدی.
۶. *تعالیم کلیسای کاتولیک* (۱۳۹۳). مترجمان احمد رضا مفتاح، حسین سلیمانی و حسین قنبری، قم، انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب.
۷. حبیب سعید (بی تا). *المدخل الى كتاب المقدس*، القاهرة، دارالتألیف و النشر للكنيسة الاسقفية بالقاهرة.
۸. حلّی، رضی الدین علی بن یوسف (۱۴۰۸ ق). *العدد القویة لدفع المخاوف اليومية*، مصحح مهدی رجائی و محمود مرعشی، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی علیه السلام.
۹. خزاز رازی، علی بن محمد (۱۳۶۰). *کفایة الأثر فی النص علی الأئمة الإثنی عشر علیهم السلام*، قم، بیدار.
۱۰. راشد محصل محمدتقی (۱۳۸۱). *نجات بخشی در ادیان*، تهران، پژوهشگاه علوم اسلامی و مطالعات فرهنگی.
۱۱. سلیمانی اردستانی، عبدالرحیم (۱۳۸۹). *پسر خدا در کتاب مقدس و قرآن*، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
۱۲. شریف عسگری، نجم الدین جعفر (۱۳۶۰). *المهدی الموعود المنتظر علیه السلام عند علماء أهل السنة و الإمامة*، بی جا، مؤسسه الإمام المهدي علیه السلام.
۱۳. شوشتری، نور الله بن شریف الدین (۱۴۰۹ق). *إحقاق الحق و إزهاق الباطل*، قم، کتابخانه عمومی حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی علیه السلام.
۱۴. صفار، محمد بن حسن (۱۴۰۴ق). *بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد علیه السلام*، مصحح محسن

- کوچه باغی، قم، مکتبه آیت الله العظمی المرعشی النجفی رحمته.
۱۵. طباطبایی سید محمدحسین (۱۴۱۷ق). *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۶. طبرسی، احمد بن علی (۱۳۶۱). *الإحتجاج علی أهل اللجاج*، مصحح محمد باقر موسوی خراسان، مشهد مقدس، نشر المرتضی.
۱۷. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۹۰ق). *إعلام الوری بأعلام الهدی*، تهران، دار الکتب الإسلامية.
۱۸. _____ (۱۳۶۰). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تهران، انتشارات فراهانی.
۱۹. طبری آملی، محمد بن ابی القاسم (۱۳۸۳ق). *بشارة المصطفی لشريعة المرتضی عليه السلام*، نجف، المکتبه الحیدریة.
۲۰. طبری آملی، محمد بن جریر (۱۴۱۳ق). *دلائل الإمامة*، قم، بعثت.
۲۱. کتاب مقدس (ترجمه تفسیری)، بی تا، بی جا، بی نا.
۲۲. _____ (چاپ قدیم)، بی تا، بی جا، بی نا.
۲۳. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق (۱۴۰۷ق). *الکافی*، مصحح: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران، دار الکتب الإسلامية.
۲۴. گریس هالس (۱۳۸۹). *بداالله*، مترجم: قیس زعفرانی، تهران، هلال.
۲۵. مجتهدی، مرتضی (۱۳۸۸). *صحیفه مهديه*، مترجم مؤسسه اسلامی ترجمه، قم، نشر الماس.
۲۶. مجلسی، محمدباقر (بی تا). *بحار الأنوار*، بی جا، دار احیاء التراث العربی.
۲۷. مستر هاکس (۱۳۷۷). *قاموس کتاب مقدس*، تهران، اساطیر.
۲۸. مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳ق). *الإختصاص*، مصحح علی اکبر غفاری، و محمود محرمی زرنندی، قم، المؤتمر العالمی لالفیه الشیخ المفید.
۲۹. _____ (۱۳۷۲). *الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد*، محقق: مؤسسه آل البيت عليهم السلام لاحیاء التراث، قم، دار المفید.
۳۰. مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی (۱۴۲۸ق). *عقد الدرر فی أخبار المنتظر عليه السلام*، قم، مسجد مقدس جمکران.
۳۱. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴). *تفسیر نمونه*، تهران، دارالکتب الإسلامية.
۳۲. مک دونالد، ویلیام (۱۹۹۵م). *تفسیر کتاب مقدس (نسخه pdf)*، ناشر: نلسون توماس.
۳۳. موحدیان عطار، علی و همکاران (۱۳۹۳). *گونه شناسی اندیشه منجی موعود در ادیان*، قم،

انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب.

۳۴. نعمانی، محمد بن ابراهیم (۱۳۹۷ق). *الغیبة للنعمانی*، تهران، مكتبة الصدوق.

۳۵. نیک دل محمدجواد (۱۳۹۱). *بررسی تطبیقی اندیشه ملکوت خدا در ادیان ابراهیمی*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.

۳۶. ویل دورانت (۱۳۹۰). *تاریخ تمدن*، مترجم: حمید عنایت و دیگران، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.

۳۷. هلالی، سلیم بن قیس (۱۴۰۵ق). *کتاب سلیم بن قیس الهلالی*، مصحح: محمد انصاری زنجانی و محمد خوئینی، قم، انتشارات الهادی.

